

کتابخانه تصنیف سرکار عالی حیر آباد و کون

۲۶۰۹

نمبر دہندہ

آخر آبان ۱۳۲۱

تاریخ دہندہ

حقیقۃ الاسلام

نام کتاب

مواظف

فہم کتاب

۳۰۸

نمبر کتاب فہم مذکور

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا
وَمِنْ ثَمَرَاتِهِ عَلَى اللَّهِ فُوَاسِحٌ

حسب الحكماء من يدل مطبوع



كثير المنافع المسمى بسلاط

مصطفى الطبع
محمد خان بن علي

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم مالك يوم الدين والصلاة والسلام على سيد المرسلين وإمام المتقين خذ خلق الله أجمعين وعلى آله وأصحابه أجمعين
 ونحسب الطريق المستقيم بدان استعد الله تعالى فی الدارين که اسلام کامل عبارتست
 از آنکه تسکون کل ذی حق حقه معنی آنکه حق هر صاحب حق سالم و کامل ادا کنی بی قصود بی فتنه
اول از حقوق حق است اول حق الله تعالى ادا کنی که وجود و توابع وجود هر چه هست عطای
 اوست لا شریک له هر نفسی که فرو میرود و محتاجات است و چون برمی آید مفرح ذات پس بر نفسی و دوست
 موجود است و بر هر نفسی شکری واجب است از دست و زبان که بر آید بجز عهده شکری بر آید
 پس اگر توفیق شکر نعمتی از آنها دریابی خواه زبان یا بجزی یا دل از مواهب اوست بگشاید و توفیق
 شکر هم از مواهب او پس در هر شکریندین شکر واجب میشود پس خروج از عهده شکر او تعالی محال است
 و مستند تسلسل قال الله تعالی وَإِنْ كُنْتُمْ لَا تَهْتَدُوا لَآتِيَنَّكُمْ اللَّهُ بِذِي قُوَّةٍ لَّيْسَ كَيْفَ تَهْتَدُوا
 یعنی اگر بگوشید نعمتهای خدا را نتوانید حاطه را بر تنبیه حق تعالی بخشنده مهربان است و کلمه مغفور رحیم
 شمارست بدان حق تعالی فصلی است خود تکلیف ما را بطایفه انداده و ادای حق شکر بخشنده
 ما را فرموده و بقدر وسعت سر و جب ما را هر چه بقدر قوت انسانی ادای شکر و کوشید بفضول
 و حسن خود و در شکر رنجیده بخواند چنانچه حق تبارک و تعالی علیه سلام فرموده إِنَّكَ كَانَتْ عَبْدًا

که چنانچه عبادت
 که بجز در کار عبادت
 چنانچه عبادت
 روز قیامت و در روز
 و سلام است و در روز
 و پیشوای نبی است
 و پیشوای نبی است
 و بر او لازم است
 که چنانچه عبادت
 شکر و ای رنجیده
 و در روز قیامت
 و در روز قیامت
 و در روز قیامت

آنهارا اید کرده پس بد رستی مرا اید کرده و هر که مرا اید کرده پس بد رستیکه خدا را اید کرده و فرمود
 پیروی کنید بهر دو طریق که بعد من باشند ابو بکر و عمر و فرموده **عَلَيْكُمْ تَسْبِيتُهُ وَ سُنَّةُ الْخَلْفَاءِ**
 الرّاشدين **بَيْنَ بَيْنِ** یعنی لازم گیر بدست من سنت خلفاء را راشدین بلکه بعد من باشند
 فرموده **أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ حَلِيقَةُ الْبَيْتِ** رواه الطبرانی و الحاکم عن ابن عباس من شهر علم
 در واره آمنت و فرموده **إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ أَثْقَلَكُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي** رواه احمد
 الطبرانی عن یزید بن ثابت یعنی من میگذارم بعد خود ترو شما و وسیله حکم کی قرآن دوم عزت خود
 فرمود صلی الله علیه و سلم **خُذُوا وَ انْصَبُوا إِلَيَّ مِنْ هَذِهِ الْحُمُرِ** که بگردانید علم ازین حمیرا یعنی
 حاشیه یعنی **سَلَامٌ عَلَيْكُمْ** صلی الله علیه و سلم **أَخْبَرَنِي كَالْحُجُومِ بِأَيْحُسَ أَوْتَيْتُكُمْ**
أَهْدَى بَيْنِي رواه زرین عن عمر رضی الله عنه یعنی راه باب من نماند سزا بگفتید بهر که اینها
 پیروی کنید بهر آن رسید به اینچنین احادیث بسیارند **فصل** همچنین ادای حق علمای محدثین
 و فضیلهای مجتهدین و مصنفان کتب دین و سلسله سلسله علوم ظاهر پیران اساتذّه علوم دین
 درنگ حق صوابه و امانیت و انحال ادای حق خود در سوانه ای الله علیه و سلم است که این اوان
 پیغمبر و علمای دین اند قال رسیده **سَلَامٌ عَلَيْكُمْ** رسول الله **رَأَى الْعُلَمَاءَ رَضِيَ عَنْهُمْ** و سبک
الْكِتَابَ لَمْ يَكُنْ يُكَلِّمُهُمْ بِكَارِهَا و **لَمْ يَكُنْ يَكَلِّمُهُمْ بِكَارِهَا** و **لَمْ يَكُنْ يَكَلِّمُهُمْ بِكَارِهَا** رواه سماره
 بشرین قیس یعنی بد رستیکه علماء دنیا را بنانند و بسبک انبیا میراث گذارند بآنها و در هر
 جزین نیست که میراث گذارند از عالم و قال **سَلَامٌ قُضِلَ أَنْفَكَ** یعنی **الْعَرَبُ كَلَّمَتْهُ** و **الْعَرَبُ كَلَّمَتْهُ**
شَرُّ تَلَا أَمَّا يَشْكُرُ اللَّهُ مِنْ عِبَادِهِ تعالی را شکر روا **سَلَامٌ** من این آمار را ای محرم
 کحل و الحس بهر سزا گفتی و فرمود **نَحْنُ نَحْفَظُ عَمَلَكُمْ بِعَادَةِ فَضِيلَتِ مَنْ رَدَفِي سَمَاءَ**
 بسته خواند و بی نرسند از نه از جمله بندگان او مگر عالمان و فرموده رسول صلی الله علیه و سلم
أَمَّا بَعِثْتُ مُعَلِّمًا لِي فِي تَعَالَى مَن نَفَرْتُ أَدَمَ لِي بَرَّابِي تَعْلِيمُ کردن و رسول فرموده صلی الله
 علیه و سلم **اللَّهُ أَجْوَدُ جَوَادًا نَا أَجْوَدُ بِي أَدَمَ وَأَجْوَدُ هُمْ لِعَدَمِي رَجَدُ عِلْمِ**
عِلْمًا فَشَرُّ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ أُمَّةً وَاحِدَةً رواه البیهقی عن ابن عباس یعنی **سَلَامٌ** تعالی جوادتر

و من جواد ترین آدمیانم و جواد تر از دیان بعد من مردی باشد که علم آموخت و در مردم پراگنده کرد
 روز قیامت بیاید جماعتی تنها با هم را در آنست که هر چند امتی است نبی نیست که امت با وی باشد
 اما جماعت تلانده مثل امت باشد و فرموده رسول صلی الله علیه و سلم یُؤْتَانِ یَوْمَ الْقِیَمَةِ وَادُّ
 الْعُلَمَاءُ وَدُمُ الشُّجْعَانُ فَیَرْجِعُ مِیْدَادُ الْعُلَمَاءِ عَلَیْهِمُ الشُّجْعَانُ رَوَاهُ ابْنُ عُمَرَ
 بن حُصَیْن یعنی وزن کرده خواهد شد روز قیامت سیاهی علمای و خون شهیدان پس سیاهی علمای
 غالب شود بر خون شهیدان اطاعت علما و اولیا اطاعت خدا و رسول است صلی الله علیه و سلم
 و محبت شان قال الله تعالی أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِی الْأَمْرِ مِنْكُمْ یعنی
 فرمان برداری کنید خدا را و رسول خدا را و کسانی را که امر خدا بر بنده بگمان رسانند یعنی مردم
 الله صلی الله علیه و سلم و اصحاب و اهل بیت و علیهم السلام و علمای ظاهر و باطن بطریق الرسول
 حقوق شان داخل حقوق العباد است اما محبت حق الله تعالی اگر اینها نبیند کسی خدا را محبت
 و حق الله را انبیکرد و رسول فرمود لَوْ لَا هَذَا أَنَا لِلَّهِ مَا اهْتَدَيْنَا وَكَانَ تَصَدَّقْنَا وَكَانَ
 صَلَاتِنَا یعنی اگر نبیند برای خدا با تزلزل کُتِبَ و ارسال رُسُل کسی هدایت نمی یافت و کسی
 زکوة و نماز میکرد اینها مستغفر قند و ذکر خدا از دیدن اینها خدا یاد می آید و دوستی و دشمنی
 دوستی و دشمنی با خدا است در حدیث قدسی آمده مِنْ عَادَی وَیْلَیْ فُتْدَاذْ نَسْمُ بِالْحَرْبِ
 رَوَاهُ الْبُخَارِی عَنْ ابْنِ هُرَیْرَةَ یعنی هر که دشمنی کند با ولی من پس خبر دارمی گتم او را با جنگ کردن با من نیز
 در حدیث قدسی آمده أُولَیْکَیْنِ مَنْ عِبَادِی الَّذِينَ یُذْکَرُونَ بِذُنُوبِهِمْ وَأُذْکَرُونَ بِذُنُوبِهِمْ
 رَوَاهُ الْبُغْوِی یعنی اولیای من از بندگان من کسانی هستند که یاد کرده شود بپایا کردن من و من یاد کرده شود
 از یاد کردن آنها همچنین حدیث نبوی آمده صلی الله علیه و سلم قسم دوم قسمی که از حقوق العباد است
 است که منظر بعضی از حقوق الله آمده اند و در ظاهر و اسطر افتاده اند و ایجاد و پرورش و روزی رساندن
 و مانند آن چنانچه مادر و پدر و اجداد و جدات و کسانی که در ظاهر حق تعالی بتوسط شان روزی رسانند یا
 از آنها پرورش کنند یا نوعی از انعام مالی یا راحت بدنی یا عزت یا منفعتی از تنافع بتوسط شان رسا
 شود اینها هم مثل مادر و پدر و اجداد است رسول فرمود صلی الله علیه و سلم مَنْ لَوْ لَشِکْرُ النَّاسِ لَوَشِکْرُ

ظلم کنند فرمود **وَإِنْ ظَلَمَكُمْ وَإِنْ ظَلَمَكُمْ وَإِنْ ظَلَمَكُمْ** یعنی سه بار گفت اگر چه بر وی ظلم کنند و فرمود علی علیه السلام صامق و لکن باری یظلم الی والدیه نظر که رحمة الله کتب الله له لکن نظر که حجة متذکره و ترک یعنی نیست هیچ چیز یک که نظر کند بسوی والدین بهر مگر آنکه نبویست حق تعالی بر او عوض هر نظر ثواب یک حج باینکه از گناه مردم بگذرد یا رسول الله اگر چه بنده هر روز صد بار فرمود **نِعْمَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَطْيَبُ** یعنی حق تعالی بزرگتر است و خوشتر روایت کرده بود و حدیث را بهیچ از این عباس شخصی گفت یا رسول الله مرا اراده جهاد و دارم فرمود که ترا مادر هست گفت هست فرمود که در خدمت او باش هست تو قدم موت **حدیث** **إِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ أَقْدَامِ أَهْلِهَا** روایت کرد این را بهیچ از معاذ بن جابر این عمر

گفت یا رسول الله از فیست که من او را دوست میدارم و او را بکند و ^{ای مادر من} **سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ** فرمود که ای مادر من و ترمذی و ابوداؤد این را از ابن عمر آورده ترمذی از رسول مسلم پرسید که حق مادر و پدر چیست فرمود که آنها بهشت و دوزخ تواند این ماجرا این را از ابی امامه روایت کرده ترمذی پیش رسول مسلم آمد و گفت که پدر من حج

است بسو مال من یعنی میخواهد که مال من بگیرد فرمود **أَنْتَ وَمَالُكَ لَا يَمْلِكُ أَنْ أَوْلَاكَ كُمْ** من اَطیب کسب که کافر است کسب او کافر که رواه ابوداؤد و ابن ماجه عن عمر بن شعیب عن ابی جبره یعنی تو و مال تو برای پدر است بدینستیکه اول دشمنان از باینکه ترین کسب شماست بخورید شما از کسب اول خود پس نفقه مادر و پدر و واجداد و جهات که مفلس باشند گو قدرش بر کسب داشته باشند بر فرزندان و در حال غنی که قدرت بر کسب داشته باشد و حجت اگر چه کافر باشند از اهل ذمه و صحیحی از اسامه بنت ابی بکر روایت کرده که از رسول کریم پرسید که مادر من آمده است و کافره است ضلع با و کنم فرمود آری بکن و امشال امر و ضا جونی آنها و جب است مکر و صحبت و ترک قرآن ترمذی از عیاض بن عمر روایت کرده که فرمود رسول مسلم رضامندی خدار رضامندی پدر است و ناخوشی خدا و ناخوشی پدر است حق تعالی فرمود

وَإِنْ جَاهَدَكَ عَلَى أَنْ تُغْنِيَ بِي مَالِيَسْ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُكُمْ فِي اللَّهِ نَبَأٌ مَعْرُوفٌ یعنی اگر ننگ کنند پدر و مادر تو بر نیکو شرک گوئی با من خبر بیا که تو علم نداری بآن یعنی علم تجوید داری پس درین امر فرمان بردار آنها مکن و در دنیا صحبت بخوبی با آنها کن رسول مسلم فرمود که **كُلُّ مَا عَاةٍ لِحَالَتِي فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ** رواه احمد و الحاکم عن عمران و حکیم عن محمد و النفا

دوستی کردن با مادر و پسران بر حقوق اقربا

و فی صحیحین کطاعة رکابک فی مَعْصِیَةِ اللَّهِ اِنَّهَا الطَّاعَةُ فی المعروف یعنی جائز نیست فرمان برداری به کسی از مخلوقات درنا فرمانی خدا طاعت جائز نیست مگر آنچه در شرع جائز است **فصل** از حقوق پدر و دینی کردن با دوستان پدر و دینکونی کردن با دوستان پدر رسول فرمود صلی الله علیه وسلم انکم من اهل و دایه بعد ان نبی الی کرواه مسلم عن ابی عمر یعنی کمال کنونی آنست که صد کند با دوستان پدر در نصیبت او و صد هجارت از آنچه موجب وصلت و اخلاص باشد در رعایت مالی و خدمت بدنی و حسن اخلاق **فصل** در حقوق اقربا و از جمله حقوق پدر و مادر آنست صد و دینکونی با و لا و آنها یعنی با برادران و خواهران و خالات پدر و مادر و اولادشان و چنین الاخری فلا ترک فی حق پدر که دینب قریب تر باشد حق او زیاده تر باشد حق تعالی فرمود در حدیثی و ان ترک فی حق الله یعنی برده صاحب قریب حق او و نهذا هر کس را که غنی باشد واجب است بر او نفقه ذی رحم محرم که فقیر باشد و بر کسب قدرت نباشد اگر مسلم باشد قال الله تعالی و علی الوالدین مثل ذلک یعنی بر وراثت نفقه و حجب مثل نفقه اولاد و کسب که ذی رحم محرم خود را مالک شود و بجز مالک شدن از و گردد اگر چه کار فرماید قال علیه السلام من مَلَکَ ذَا رِجْمٍ فَهُوَ مِنْهُ حَتَّى یُحَقِّقَ عَلَیْکَ رواه احمد ابو داود و الحاکم عن سمره یعنی هر که مالک شود ذی رحم محرم خود را بر و آزاد شود و حجب کردن و ترن ذی رحم محرم حرام است که موجب قطع رحم میشود و از اقربا هر کس که محرمیت گویند نفقه او واجب نیست لیکن صدق او واجب است و قطع رحم حرام است و ما موافقت آنها جائز نیست عَنْ ابْنِ هُرَیْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَلَقَ اللَّهُ الْخَلْقَ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْهُ قَامَتِ الرَّحِمُ فَأَخَذَتِ الرَّحِمُ بِحَقْوِ الرَّحْمَنِ فَقَالَتْ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ الْقَطِيعَةِ قَالَ أَلَا تَوَضُّعُ أَنْ أَصِلَ مِنْ وَصْلِكَ وَأَنْتَ تَقْطَعُ مِنْ قِطْعَتِكَ قَالَتْ بَلَى يَا رَبِّ قَالَ فَذَلِكَ مَصْنُوعٌ عَلَیْکَ یعنی خدای تعالی پیدا کرد خلق را و هر گاه که حق تعالی از پیرا کردن خلق فارغ شد رحم بر خاست و حق رحمان گرفت حقو برادر را را گویند و برین مجاز است و مراد آنست که از جناب ایزد پناه حجب عیب میگوید عُدْتُ بِحَقْوِ فَلَانٍ یعنی پناه جستم بسوی فلان حق تعالی رحم را فرمود که چه میخواهی گفت که استاده ام پناه جوینده از قطع فرمود که آباراضی نمیشود با آنکه من وصلت کنم با آنکه وصل کند ترا و قطع کنم از بر که قطع کند ترا گفت که راضی شدم

ای رب فرجین کن در حدیث تدری آمده **أَنَا اللَّهُ وَأَنَا الْإِسْلَامُ** خَلَقْتُ الرَّحِمَ وَشَقَقْتُ لَهَا مَن
 اسْمِي مَعْنَى وَصَلَهَا وَصَلْتُهُ وَمَنْ قَطَعَهَا بَتَّتُهُ رواه ابو داود و الترمذی و احمد و الحاکم
 عن عبد الرحمن بن عوف و الحاکم عن ابی یزید یعنی من اندام من من رحم را پیدا کردم و از نام خود نام
 برآوردم پس هر که او را وصل کند من با وی وصل کنم و هر که او را قطع کند من از وی قطع کنم و بخاری از
 ابی یزید از رسول مسلم روایت کرده که فرمود **الرَّحِمُ شَجْنَةُ الْإِسْلَامِ** فَقَالَ اللَّهُ مَن وَصَلَكَ
 وَصَلْتُهُ وَمَنْ قَطَعَكَ قَطَعْتُهُ یعنی رحم الصّالّی دارد بی کیفیت با خدا حق تعالی فرمود یعنی هر که
 ترا وصل کند من با وی وصل کنم و هر که ترا قطع کند من از وی قطع کنم و از عایشه رضی الله عنها در صحیحین نقل
 است در صحیحین از جابر بن مطعم مر و ثبت که فرمود رسول مسلم قاطع رحم و اصل است از شیعه و بی هقی از
 عبد السّیدین اونی روایت کرده که آنحضرت فرمود مسلم که حجت نازل میشود که در آنها یک است مسلم رحم
 میشود در وجوب صدر رحم و حرمت قطع احادیث بسیار وارد شده لهذا بر کس لازم که به نسبت خود
 خبردار باشد تا مسلم کند و قطع از وی بظهور نیاید **قائده** رسول فرمود مسلم حق برادر بزرگ و برادر
 خرد مثل حق برستد بر پس این حدیث در بی هقی از سعید بن عیاض روایت کرده حق سبحانه و تعالی یکسکه فساد کند
 در زمین بر قاطع رحم لعنت کرده و گفته **فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا وَارِدًا عَلَى الْأَرْضِ وَتَقْطَعُوا**
أَرْحَامَكُمْ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ یعنی قریب است که اگر
 در دانی کنید از حکم خدا آنکه فساد کنید در زمین قطع کنید ارحام خود را آنها هستند که لعنت کرده بر آنها حق تعالی پس
 کردند آنها را که حق نمی شنوند و کور گردیدند بای آنها را که حق را نمی بینند تا امامی جنبل رحمة الله علیه لعنت زید
 جابر گفته و با وجود قبلیع می شمارید بنا بر قطع رحم با این آیه بر جواز لعنت او استدلال کرده **مَوَالٍ** زرد و قرمز
 اگر یکی را دوم بدست گیرد و وصل کند و قطع رحم نماید و دوم را از وی قطع جائز باشد یا نه **جواب** دوم را لازم
 که بکشد و قطع کند و ببال قطع رحم بر قاطع رحم خواهد شد و برکات صدر بر او صل رسول فرمود **صَلِّ عَلَى**
الْوَاصلِ بِالْمَكَافِي و لکن **الْوَاصلِ الَّذِي إِذَا قُطِعَتْ رَحِمُهُ وَصَلَهَا** رواه البخاری
 عن ابن عمر یعنی و اصل آن نیست که در مقابلت نکوئی نکوئی کند و اصل آنست که اگر قطع کرده
 رحم از او وصل کند یعنی موضع بی نیکی کند **سپت** بدی را بدی سپن باشد جزا اگر روی آخن الی این

احمد و الحاکم
 عن عبد الرحمن بن عوف
 و الحاکم عن ابی یزید
 یعنی من اندام من من رحم را پیدا کردم
 و از نام خود نام برآوردم
 پس هر که او را وصل کند من با وی وصل کنم
 و هر که او را قطع کند من از وی قطع کنم
 و بخاری از ابی یزید از رسول مسلم روایت کرده
 که فرمود **الرَّحِمُ شَجْنَةُ الْإِسْلَامِ**
 فَقَالَ اللَّهُ مَن وَصَلَكَ وَصَلْتُهُ
 وَمَنْ قَطَعَكَ قَطَعْتُهُ
 یعنی رحم الصّالّی دارد بی کیفیت
 با خدا حق تعالی فرمود یعنی هر که ترا وصل کند
 من با وی وصل کنم و هر که ترا قطع کند من از وی قطع کنم
 و از عایشه رضی الله عنها در صحیحین نقل است
 در صحیحین از جابر بن مطعم مر و ثبت که فرمود رسول مسلم
 قاطع رحم و اصل است از شیعه و بی هقی از عبد السّیدین
 اونی روایت کرده که آنحضرت فرمود مسلم که حجت نازل میشود
 که در آنها یک است مسلم رحم میشود در وجوب صدر رحم
 و حرمت قطع احادیث بسیار وارد شده لهذا بر کس لازم که
 به نسبت خود خبردار باشد تا مسلم کند و قطع از وی بظهور
 نیاید **قائده** رسول فرمود مسلم حق برادر بزرگ و برادر
 خرد مثل حق برستد بر پس این حدیث در بی هقی از سعید بن
 عیاض روایت کرده حق سبحانه و تعالی یکسکه فساد کند
 در زمین بر قاطع رحم لعنت کرده و گفته **فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا وَارِدًا عَلَى الْأَرْضِ وَتَقْطَعُوا**
أَرْحَامَكُمْ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ
 یعنی قریب است که اگر در دانی کنید از حکم خدا آنکه فساد
 کنید در زمین قطع کنید ارحام خود را آنها هستند که لعنت کرده
 بر آنها حق تعالی پس کردند آنها را که حق نمی شنوند و کور
 گردیدند بای آنها را که حق را نمی بینند تا امامی جنبل رحمة الله
 علیه لعنت زید جابر گفته و با وجود قبلیع می شمارید بنا بر قطع
 رحم با این آیه بر جواز لعنت او استدلال کرده **مَوَالٍ** زرد و قرمز
 اگر یکی را دوم بدست گیرد و وصل کند و قطع رحم نماید و دوم
 را از وی قطع جائز باشد یا نه **جواب** دوم را لازم که بکشد و قطع
 کند و ببال قطع رحم بر قاطع رحم خواهد شد و برکات صدر بر او
 صل رسول فرمود **صَلِّ عَلَى الْوَاصلِ بِالْمَكَافِي** و لکن **الْوَاصلِ الَّذِي إِذَا قُطِعَتْ رَحِمُهُ وَصَلَهَا**
 رواه البخاری عن ابن عمر یعنی و اصل آن نیست که در مقابلت نکوئی
 نکوئی کند و اصل آنست که اگر قطع کرده رحم از او وصل کند
 یعنی موضع بی نیکی کند **سپت** بدی را بدی سپن باشد جزا اگر روی
 آخن الی این

تسلیم از ابرهیره روایت کرده که مردی از رسول صلعم گفت که یا رسول الله مرا اقربا هستند من صله آنها صلعم
 و آنها از من قطع میکنند و من آنها کوفتی میکنم و آنها بدی میکنند و من از آنها صلعم میکنم و آنها بدی میکنند و من
 فرمود صلی الله علیه و آله و سلم **كُلُّكُمْ كَافٍ لِقَوْمِهِ** فَاِنْ تَوَلَّوْا مِنْهُمْ فَاِنْ تَوَلَّوْا مِنْهُمْ فَاِنْ تَوَلَّوْا مِنْهُمْ
 ظاهر آنست که هر کس از شما کوفتی کند یا صلعم کند یا بدی کند یا صلعم کند یا بدی کند یا صلعم کند یا بدی کند
 اگر بمعی آنس منجورانی که هلاکت آنها آنست همیشه ترا از خداوند گاری خواهد بود بر آنها مادامیکه برین خصلت با
فائده صلعم و صلعمی ثواب و آخرت در دنیا فواید بسیار دارد و رسول فرمود صلعم من أحب
 أَنْ يُسْطَلَّ لَهُ رُكْنُهُ وَ يُسْأَلَهُ فِي أَثَرِهِ فَلْيَصِلْ رَجُلٌ مُتَّقٍ عَلَيْهِ مِنَ النَّاسِ تَعْنِي أَنْ يَكُونَ لَهُ رُكْنٌ
 شود در نزد او و باقی فواید و از آن اولاد و مانند آن ذکر کنندگان خیر پس باید که صلعم رحم کند و رسول
 فرمود صلعم من أحبُّ أَنْ يُسْأَلَهُ مَا يَصْلُحُ لَهُ مِنْ أَرْحَامِهِ فَإِنْ صَلَّاهُ الرَّجُلُ حَبَّةً فِي الْأَهْلِ مِنْهُ
 فِي الْمَالِ مَسَاةً فِي الْكَافِرِ وَ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ مِنْ أَبِي هُرَيْرَةَ تَعْنِي قُرْبَتَهَا بِخُودِهَا دَانَتْهُ بِأَسْوَءِ مَا يَصْلُحُ لَهُ مِنْ رَحْمَةٍ
 صلعم موجب محبت است در اهل و موجب زیادتست در مال و تبعاً ذکر و قطع رحم را سزاوارتر عذاب باشد
 آخرت و بال در دنیا هم لافش شود و رسول فرمود صلعم من أحبُّ أَنْ يُجْعَلَ اللَّهُ لَصَاحِبِهِ
 الْقُورْبَةُ فِي الدُّنْيَا مَعَ مَا يَكُونُ لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ الْبُغْيِ وَ طَبِيعَةِ الرَّحِيمِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ وَ
 ابوداود و عن ابی بکره یعنی گناهی نیست لائق تر با آنکه عقربیت و وبال رسد صاحب او را در دنیا با آنکه خیر
 داشته شود عذاب برای او و آخرت از بغی بران با پادشاه عادل و قطع کردن رحم و تیر بهیچ از ابی بکره
 روا کرده که رسول فرمود صلعم كلُّ مَنْ سَابَّ لِعَفْرِ اللَّهِ مَتَحَمًّا مَا شَاءَ لَا عَقْبَاقَ الْوَالِدَيْنِ فَإِنَّهُ
 يُجْعَلُ لَصَاحِبِهِ فِي الْحَيَاةِ قَبْلَ أَمَاتٍ يَعْنِي هَرَكَنَاهُ كَمَا بَشَّرَ مُحَمَّدٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ تَعَالَى أَوْرَاقَهُ إِذْ كَانَ
 عَتَقَ وَالِدَيْنِ لِمِنْ سَمَرَةٍ بَلَدٍ جَدِيرٍ سَانِدٍ وَ رَا عَذَابَ دَرْزَنَ كِي مِثْلَ زَمْرٍ **فصل** و چون نظر بر حقوق
 پروردگار صلعم برادران و خواهران و دیگران را واجب شد نظر بر حقوق رسول صلعم و خلفا و این
 و استادان صلعم و نمکونی با جماعه سادات و مشایخ و فرزندان پیران و استادان هم ضرورت فایده
 الله تعالی قل لا أسئلكم عليه حرجاً إلا المودة في القربى يابوای محمد منجوا هم از شما
 بر تبلیغ رسالت فزوری لیکن دوستی داشتن مدافعی من شما را بیاید و قال الله تعالی فكل

حقوق پیران استادان و نمکونی با مشایخ و سادات

إِنَّكَ لَلرَّحْمَنُ وَلَكِنْ قَالُوا كُنَّا أَوَّلَ الْعَالَمِينَ بَعْنِي بگوای محمد کسانی را که خدا را اولد ثابت میکنند تعالی است
عزیز کس اگر رحمن با اولاد میبود من اول عبادت او میکردم حق تعالی از ان منزّه است ازین آیه مستفاد میشود
که هر که احی بر ذوق شخصی باشد باید که با اولاد او دوستی کند **سوال** از اولاد سادات و پیرزادگان
اگر کسی فسق یا کفر یا رافضی باشد با او چه سلوک باید کرد **جواب** اگر فسق باشد نصیحت باید کرد و اگر
حق نبیند و اگر رافضی مانند آن باشد که بکفر رساند با او دوستی نباید نمود حق تعالی میفرماید یا ایها الذین

آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْيُنٌ وَلَكِنَّهُمْ غُلُوفٌ لِّقُلُوبِكُمْ كَذَبُوا بِحَقِّ اللَّهِ كَذَبَ الَّذِينَ كَفَرُوا كَذَبُوا
مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ یعنی ای مسلمانان دوستی نکنید با قومی که خدا غضب دارد بر آنها بد رشتیکه نامیدند از
آخره چنانکه نامیدند کفار از اصحاب قبو و حق تعالی میفرماید و حق پسر نوح علیه السلام که لیس
مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَلَّ غَيْرُ صَاحِبٍ وَرَسُولٌ فَرَضُوا صُلْحًا آلِ إِبْرَاهِيمَ فَلَا تِلْكَ لَيْسَ بِي إِلَهٍ
إِنَّمَا وَلِيَ اللَّهُ وَمَا كُنَّا فِي الْأَعْيُنِ وَلَكِنْ لَهُمْ رَحْمٌ أَبْلَغُوا بَيْنَكُمْ فَاسْتَغْنَوْا عَنْ عَمْرٍو بن
العاص یعنی آل ابراهیم هستند اولیا و دوستان و دوست من خدست و صلح مسلمانان لیکن آنها را بن
قرابت صلح رحم میکنم ازین حدیث مفهوم میشود که سادات و پیرزادگان و اقربا خود و اگر کافر باشند یا رافضی
یا خارجی که بکفر رساند دوستی با آنها نباید کرد لیکن از صلح و احسان و رینغ نباید کرد قال الله تعالی لَا تَتَوَلَّوْا

اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كُنْتُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ تُخِجْهُمْ كُفْرُهُمْ دِيَارًا كَذَبُوا وَهُمْ وَقَفِ اسْطُوا
الْيَوْمَ بَعْنِي بر کفار بنی مرهم احسان کردن و نکوئی کردن ممنوع نیست **فصل** و ملحق بنی والدین است
حق مضعه که حق سبحانه تعالی حرام کرده است از رضاع آنچه حرام کرده از نسب جمع بین الاختین در نواح
حرام است رضاعاً چنانچه بین الاختین نسباً حرام است تا موجب قطع نباشد ای داد و از ابی الطغفیل روایت
کرده که رسول صلی الله علیه و سلم بر امر مضعه خود چهار خود فروش کرد و بران نشانید **قسم ثالث** قسم
دیگر از حقوق حق کسانی که حق تعالی آنها را منظر قهاری و مالکیت خود ساخته و آن حق سلطان مسلم و امیر
و حق قاضی است بر رعیت و حق شوهر بر زن و حق اسید بر عبود و حق قهرمان خانه بر تمام اهلیت که بندوست
ملک شهر و خانه بوحدهت قهری تعلق دارد **فصل** اطاعت سلطان و امیر شهر و امیر شهر واجب است
بر رعیت در آنچه خلاف شرع حکم نکند اگر چه خلاف طبع آنها باشد قال الله تعالی أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ

قسم ثالث
فصل
اطاعت سلطان و امیر شهر و امیر شهر واجب است
بر رعیت در آنچه خلاف شرع حکم نکند اگر چه خلاف طبع آنها باشد

وَأُولَئِكَ هُم مَنكَرُ سُلْطَانِ بِهِ دَاخِلُ أُولَى الْأَمْرِ دُرُوسُ فَرَمُودَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنَ أَطَاعَنِي فَقَدْ
 أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنَ عَصَانِي فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَمَنَ يَطِيعُ أَمْرِي فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنَ يَعْصِي
 أَمْرِي فَقَدْ عَصَانِي وَأَمَّا كَلَامُ جَنَّةِ يُقَاتِلُ مَنَ وَرَأَيْتَهُ وَشَقِي بِهِ فَإِنَ أَمْرُ بَيْعَتِ اللَّهِ وَعَدِ
 فَإِنَّ لَهُ بِذَلِكَ أَجْرًا وَإِنَ قَالَ يُعَذِّبُهُ فَإِنَّ مِنْهُ عَلَيْهِ دَرَامُ خَدِمْتِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ
 بِنْتِ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ بَرْدًا مَنَ كَرَدَ فَرْمَانَ بَرْدِ دَارِي خَدَاكَ دَوَّهَرَكَ تَا فَرْمَانِي مَنَ كَرَدَ تَا فَرْمَانِي خَدَاكَ دَوَّهَرَكَ فَرْمَانَ
 بَرْدِ دَارِي أَمِيرِ كَرَدَ فَرْمَانَ بَرْدِ دَارِي مَنَ كَرَدَ دَوَّهَرَكَ تَا فَرْمَانِي أَمِيرِ كَرَدَ تَا فَرْمَانِي مَنَ كَرَدَ بِدَا شَاهِ نَيْسَ مَكْرَبِ
 مَرْدَمِ كَفَرِ بِيَا سَكَنَدُ بُوِي نَبَاهِ مَجُوبِ نَيْسَ اگَرِ اَمْرِ تَقْوِي وَعَدَلِ كَرْدِ بَسِ ا وَرَا ثَوَابِ بَاشَدُ
 اگَرِ خَيْرِي بَدِ كَفْتِ بَسِ وَبِي بَا يَنْبِي گناه و فرمود آن سرور علیه السلام اَسْمَعُوا وَاطِيعُوا وَإِنِ
 اَسْتَعْمَلَ عَلَيْكُمْ عَجَلًا حَيْشِي كَانَ رَأْسَهُ كَبْكِبَةٍ رواه البخاری عن انس یعنی بشنودید و فرمان
 ببرداری کنید امیرا اگر چه حاکم کرده شود بر شما غلام حبشی که سر او مثل امانه انگور سیاه و خرد باشد فرمود اَلشَّعْرُ
 وَالطَّاعَةُ عَلَى لَحْرِ السِّلَاقِ أَحَبُّ وَكَذَلِكَ مَا لَوْ لَوْ مَجْمُوعُ عَصِيَّةٍ فَإِذَا أَمْرٌ مَعْصِيَةٍ فَلَا سَمْعَ وَلَا طَاعَةَ
 مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ عَنْ ابْنِ عُمَرَ عَنْ عَلِيٍّ نَحْوَهُ بَعْنِي تَكَلَّمَ أَمِيرُ تَنْبِيْنِ وَطَاعَتِ كَرْدَنِ وَاجِبَتْ بَرِ بَرِ مَرْدُوسِلْمَانِ دَرِ اَسْمَاجِ
 آید ا و ایا ناخوش و تنگی ا مکرده شود معصیت بپوشید ا مکرده شود بگناه پس چنان نیست سماع
 فرمود صلی الله علیه و سلم مَنَ رَأَى مِنْ أَمِيرَةٍ شَيْئًا لَيْكِرْهُ فَلْيَصْبِرْ فَإِنَّهُ لَيْسَ أَحَدًا يَفَارِقُ
 الْجَمَاعَةَ شَبْرًا قِيمَتِ الْأَمَاتِ مِنْهُ جَاهِلِيَّةٌ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنِ ابْنِ هُرَيْرَةَ أَنَّ بَرْدًا مَنَ كَرَدَ
 بَجَرِي كَرْدَ دَا نَا ا بَسِ ا يَدِ كَرْدَ مَكْرَبِ بَدِ رَسْمِ كَرْدِ نَيْسَ كَسِي كَرْدَ بَعْنِي كَرْدَ وَجَدَا شَوَا ا ز جَاعَتِ مَسْلَمَانِ بَقَدَرِ
 كَيْتِ جِ بَسِ بَرِ دَرِ ا ن حَلِ مَكْرَا كَرْدَ مَرْدَ بَاشَدَ مَانَدَ مَرْدَ ا جَابِلِيَّتِ و فرمود اَلْأَمْرُ سَرُّونَ بَعْلِي ا اَثَرُهُ
 وَأَمْرُ ا تَنْكَرُ وَنَحَا قَالُوا فَمَا نَأْمُرُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ اذْهَبُوا إِلَيْهِمْ حَتَّى تَسْمَعُوا
 اللَّهَ حَقَّكُمْ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ بِنْتِ قُرَيْشٍ كَرْدَ نَحَا هِيدُ و دَرِ ا بِدَا شَاهِ ا ن بَعْدِ مَنَ نَفْسِ بَرِ و رِ و نَبَا كَرْدَ نَحَا
 تَا نَحَا ا رِ دَرِ ا رَا ن كَفْتِ بَسِ چر میفرمائی ما را فرمود که حق آنها ادا کنید و حق خود را خدا خواهد اید ا رَا ن ا بَسِ
 یا رسول الله اگر باشند ا مکرده خود را با طلب کنند و حق مانند فرمود اَسْمَعُوا وَاطِيعُوا فَإِنِ
 عَلَيْكُمْ مِمَّا حَلَمُوا وَعَلَيْكُمْ مِمَّا حَلَمْتُمْ رواه مسلم عن وائل بن حجر یعنی بشنودید حکم آنها و فرمان ببرداری

فِي الْمَلِكِ أَنْ يَكُونَ كَاللَّهِ جَسَدًا فِي رَجُلٍ وَطَاعَةً سَائِلِينَ وَنِعْمَ اللَّهُ مُتَّقٍ مَدِينَةٍ
إلى هریر یعنی خوشحال بنده ملک که بیرونیک کند عبادت پروردگار خود و فرمان برادر مالک خود

خوشحال و فرمود آنسر و علیه السلام اذ ابان العبد لم يقبل له صلوة وفي رواية انما
عبد ابان من مواليه فقد كفر حتى يرجع اليه رواه مسلم عن جبر يعني اگر غلام بگیرد نماز او
قبول نشود و در روایتی هر غلامی که بگیرد از مالکان خود تحقیق کافر شود تا و تنگی باز نیاید نشان
یعنی کافر نیست باشد و بهیچ از جا بر روایت کرده که رسول فرمود صلعم کسی نماز قبول نشود غلامی که بگیرد
تا که باززد مالک خود آید و زنی که شوهرش بر و ناخوش باشد و دست تا که بهوش آید و فرمود صلی الله علیه
و سلم کيس من حبيب امرأة على زوجها أو عبداً على سيده رواه ابو داود عن ابي هريرة
یعنی کسی که دوستی با زنی که شوهرش را بر شوهرش غلامی را بر مالک او قسم چهارم
از حقوق عبادتی حبس است بر سلطان امیر قاضی حق زوج بر شوهر و حق پدر بر پسر و تربیت و فرزندان
صغیر بر پدر و مادر و حق ملک بر ملک که این همه و دایع حقد حق سبحانه تعالی بر ذات بی نیاز خود بر
مملوکان و بندگان خود رحمت واجب کرده پس کسی را که در دنیا را می ساخته و مالک گردانیده بر و پدر و

ساخته قال رسول الله عليه السلام لا تكلوا رايح و تكلوا مستقلاً عن رعيته و لا تاكلوا من مال الله
على الناس رايح و هو مستقلاً عن رعيته و لا تاكلوا على اهل بيته و هو مستقلاً عن رعيته

رعيته و امرأة على بنت زوجها و ولده و هي مستقلة عن رعيته و
عبد الرجل رايح على مال سيده و هو مستقلاً عنه الا تكلوا رايح و تكلوا

مستقلاً عن رعيته متفق عليه عن عبد الله بن عمر یعنی اگر چه باشد که هر یکی از شما را می ست
هر یکی از شما سوال کرده خواهد شد از رعیت او که بجا آید یا نه یا امانت و میگویند نه پادشاه بر

تمام میان رعیت سوال کرده خواهد شد از رعیت او و مرد و اهل بیت خود رعیت از آنها سوال کرد
خواهد شد و زن بر خانه شوهر و اولاد او را رعیت از آنها سوال کرده شود و غلام بر مال مولی رعیت

از ان سوال کرده خواهد شد فصل در حق رعیت بر پادشاه و امیر رسول فرمود صلی الله علیه و سلم ما
من وال نبي رعيته من المسلمين فيمن و هو غاشي لا يحرم عليه ان يجنه متفق عليه

فصل فی حق رعیت علی سلطان

يَا كُلُّ وَلِيٍّ لَيْسَ بِمَا لَيْسَ وَلَا يَكْفِيهِ مِنَ الْعَمَلِ مَا يَغْلِبُهُ فَإِنْ كَفَّهُ مَا يَغْلِبُهُ فَلْيَعْنَهُ
متفق عليه عن ابی فی رتعی برادران شما اند کرده است نه از الله تعالی ترست نه ابی هر اخی تعبرید و او را برتر است که بپوشد
که بخوبی اندازد آنچه خود بخورد و بپوشاند و آنچه خود پوشد و تحلیف بدو را بکاریکه بروی شاق باشد
و اگر بکاری شاق آمدند خود هم در کار او کنند بران کار فرموده اِذَا اصْنَعْتَ لِأَخِي كَخَادِمَةٍ طَعَامًا
مُتَوَجِّعًا وَقَدْ وَلِيَ حَرًّا وَدُخَانًا فَلْيَقْعِدْهُ مَعَهُ فَلْيَأْكُلْ فَإِنْ كَانَ الطَّعَامُ مَشْهُورًا
قَلِيلًا فَلْيَصْنَعْ فِي بَيْتِهِ مِنْهُ أَكْلَةً أَوْ كَلْتَانِ رَوَاهُ سَلَمٌ عَنْ أَبِيهِ رِيَّةٍ يَعْنِي وَفَيْدَةً طَبَاخًا كُنْدَ بَرَاءِ
یکی از شما خادم او طعامی بسوی برادران طعام و بدستیک گرمی آتش و دو او برداشته است پس باید که بنشانند و او را
همراه خود تا بخورد و اگر طعام اندک باشد و خورنده بسیار باید که بنهد در دست او یک انگشت یا دو انگشت فرموده سَلَمٌ عَنْ أَبِيهِ
مَمْلُوكُهُ وَهُوَ يَتَوَجَّعُ فَمَا قَالَ حَمِيدٌ يَوْمَ الْفَيْدَةِ مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ عَنْ أَبِيهِ رِيَّةٍ يَعْنِي بَرَاءِ نَسَبِ زَنَانِ طَبَاخًا كُنْدَ بَرَاءِ
و او باید باشد از ان او را حق تعالی روز قیامت حد قذف زند و فرموده مَنْ ضَرَبَ غُلَامًا لَهُ حَدُّ الْكَافِرِ
يَأْتِيهِ أَوْ لَطْمَةً فَإِنْ كَذَّابًا رَأَى أَنْ يُعْقِبَهُ رَوَاهُ سَلَمٌ عَنْ ابْنِ عَمْرِو بْنِ عُمَرَ يَعْنِي بَرَاءِ زَنَانِ غُلَامٌ خَدَمٌ وَاحِدٌ وَ
موجب حد نموده است یا او را طایف آنچه زند پس کفاره او آنست که او را آزاد کند و مسلم از ابی مسعود رضی الله عنه
روایت کرده که من غلام خود را میزوم از پیش بشت آواری شنیدم که بدان ای ابا مسعود که حق تعالی ز تو قاف
ترست از آنچه تو برین غلام قدرت داری چون پیش بشت دیدم رسول خدا بود و مسلم گفت یا رسول الله این را
برای خدا آزاد کردم فرمود اگر چنین نیکویدی آتش تو بکسی بد آخر کلام رسول در مرض موت او بود
الصَّلَاةُ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ رَوَاهُ ابْنُ أَبِي شَيْبَةَ فِي شُعْبٍ ابْنُ عَمْرِو بْنِ عُمَرَ سَلَمٌ عَنْ ابْنِ عَمْرِو بْنِ عُمَرَ عَنْ ابْنِ عَمْرِو بْنِ عُمَرَ
یعنی محافظت کنید بر نماز و بر حقوق مملوکان و فرمود آنحضرت مسلم ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَثِيرًا لِلَّهِ حَقٌّ وَادَّ
جَنَّتْهُ رَفَقٌ بِالضَّعِيفِ وَ شَفَقَةٌ بِالْأَوْدَانِ وَ احْسَانٌ إِلَى الْمَمْلُوكِ رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ عَنْ حَبِيبِ بْنِ
یعنی سه مفتندم که در وی باشند حق تعالی موت او آسان کند و او را داخل بهشت سازد و مهمانی بر ضعیفان
و شفقت بر پدر و مادر و کنونی با مملوکان مردی از آنحضرت پرسید که یا رسول الله چند بار از خادم عفو نصیر
کنم آنحضرت دو بار جواب دادم تبسم فرمود که هر روز هفتاد بار بخشید رَوَاهُ التِّرْمِذِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرِو بْنِ
ابو داود عن ابن عمر و فرمود آنحضرت مسلم گاه بشیخه رسیدیم شمارا به بدترین شما بدترین شما کسی است که

[illegible]

رسول فرمود مسلم همیشه جبرئیل را برای همسایه میبرد حتی که گمان بر دم که قریب است که حق تعالی او را
 وادار کند و اندوخته از ابی ذر روایت کرده که رسول فرمود مسلم وقتی که گوشت بپزی شود باز یاده کن
 و همسایگان را ضیافت کن عایشه از رسول مسلم پرسید که یا رسول الله مراد و همسایه اند یکدایمی از آنها بدید
 کنم فرمود هر که نزدیکتر باشد و روزه او فرمود رسول مسلم من کان یؤمن بالله و الیقام الاخر فلیحسن
 الی جاره و من کان یؤمن بالله و الیقام الاخر فلیقل خیرا او لیصمت رواه البغوی و فی الصحیحین عن ابی هریره
 نحوه یعنی هر که بخدا و روز قیامت ایمان داشته باشد پس با یکدیگر همسایه خود نکوئی کند و همان را گرامی دارد
 و آنچه نیک باشد سخن گوید یا خاموش ماند سخن بفرمان نگوید بدان اسعد که چون همسایه را که در خانه
 علی و میباید چنین حق ثابت شده پس صحبت و همفرا بطریق اولی حق واجبست بخانجه بنا بر هر صحتی رسول
 اصحاب خود را چه قدر مناقب فرموده و برای محبت و تعظیم شان مبالغه کرده لیکن واجبست که نمیشنی
 و دوستی بانیگان کند و با کافران و فاسقان نکند رسول فرمود صلی الله علیه و سلم مثل المجلس الضام
 و الشوخی کما ملل للسک و نافع الکبر فحامل المسک اما ان یخبرک و اما ان یتاکم
 منه و اما ان یجده منه ریحا طیبه و نافع الکبر اما ان یخبرک اما ان یخبرک اما ان یخبرک اما ان یخبرک
 ان یجده منه ریحا خبیثه متفق علیه عن ابی موسی و فی روایه یخبرک بکتک او ثوبک او یجده
 منه ریحا خبیثه یعنی حال همسایه نیک و همسایه بد آنجاست که همسایه نیک مانند صاحب مشک است
 یا ترا خواهد دید یا تو از او خرید خواهی کرد ورنه ثوب بوی از خوش خواهد رسید و همسایه بد مانند سوزانده
 بوی آتش از دست که خانه تو یا پارچه تو خواهد سوخت و گرنه بوی بد از او خواهد رسید و چنین حاکم
 و بود او و دانش از اخضر علیه السلام روایت کرده که همسایه نیک مثل عطر فروشت اگر عطرت خوب بود
 و اداری بهتر خواهد رسید و آموخه او و دوزخ و ترندی و تا کم از ابی سعید خدری روایت کرد که فرمود
 انتم ربنا علیه السلام نمیشنی کن مگر با مسلمانان کامل الایمان و باید که طعام بخورد و ترا مگر متقی و بنوعی
 از اینها زیاده روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که آدم بر دین و بدین و بدین و بدین و بدین
 پس سخن که با که و بنی و از اینها زیاده روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که آدم بر دین و بدین و بدین و بدین و بدین

و البخاری و ابو داود و الترمذی عن سهل بن سعید بن من و بار بر دارند و غیره و حجت اینچنین باشد و اشار
 کرد بر او گفت خود و فرمود من کان یؤمن بالله و الیوم الاخر فلیکم من ضیقها جازئتها یوم
 و لیکلها و ضیقها ثلثة ايام فما بعد ذلك فهو صدقة مستفق علیه من ابی تریح الکبیری یعنی هر کس که
 دار و بخدا و روز قیامت پس باید که گرامی کند همان خود را یک نبار و در زمانی او تکلف باید نمود و جهانی
 نامه روز است و بعد از آن صد و شصت و رسول فرمود صلی الله علیه و سلم للشکاکل حق و کان جاء علی
 الفرس ابو داود عن الحسن بن علی رضی الله عنهما و احمد عن الحسن بن علی رضی الله عنهما و احمد عن الحسن بن علی رضی الله عنهما
 بر اسب سوار شده آمده باشد یعنی اگر چه غنی باشد حالاکه سؤل کردن غنی را حرام است و رسول فرمود
 صلی الله علیه و سلم المسلم علی المسلم سنة بالقرن فی سئل علیه اذا اقیه و یحییبه اذا
 دعا و یبسیه اذا عطس و یعو له اذا مرض و یتبع جنازة اذا مات و یسئله
 له ما یحب لنفسه رواه احمد و الترمذی و ابو داود عن علی و النسائی عن ابی هریره رنم نحوه یعنی
 مسلمان را بر مسلمان شش حق است سلام گوید بروی چون ملاقات کند و جواب دهد چون بخواند یا قبول
 دعوت او کند و در حرکت او بگوید چون حمد کند بعد عطسه و بیار پرسی کند چون بیمار شود و بیمار را بخواند او را و
 چون بمیرد و دوست دارد برای او آنچه دوست دارد برای نفس خود و استغفاری از علی رضی الله عنهما
 سرور علیه السلام و ابیت کرده که فرمود بدستیکه اگر کسی از شما بگذارد و شتمت یعنی بر حرکت او گفتن برادر
 خود را و قتیکه عطسه کند و الحمد بگوید پس مطالبه خواهد کرد او را و روز قیامت اینچنین ابو نعیم از سعید بن
 جبیر روایت کرد و مسلم از ابی موسی روایت کرده که اگر کسی بعد عطسه الحمد بگوید او را بر حرکت او بگوید و اگر
 نگوید نگوید و در صحیحین از ابی سعید خدری روایت کرده که آنحضرت علیه السلام فرمود که بر بهتر کن از شستن بر آبها
 یا آن گفتند یا رسول الله از شستن بر آبها چاره نداریم فرمود که پس حق ادا کنید راه را گفتند که حق تراست
 فرمود که چشم سبب از حرام و آذیت زسانیدن و جواب سلام گفتن و امر کردن بشروع و نهی کردن از نامشروع
 و ابو داود از عمر درین قصه باده کرده و فرمودی کنید پنج رسیده را و راه نمائید گم شده را قال الله
 تبارک و تعالی یحیی قتیلاً بالحسن منها و ردوها ان الله کان علی کل شیء حسیباً
 یعنی و قتیکه کسی سلام گوید بر شما پس جواب گوید مثل آن یا بهتر از آن یعنی در جواب السلام علیکم و علیکم

و البخاری و ابو داود و الترمذی
 عن سهل بن سعید بن من و بار بر دارند
 و غیره و حجت اینچنین باشد و اشار
 کرد بر او گفت خود و فرمود من کان یؤمن بالله و الیوم الاخر فلیکم من ضیقها جازئتها یوم
 و لیکلها و ضیقها ثلثة ايام فما بعد ذلك فهو صدقة مستفق علیه من ابی تریح الکبیری
 یعنی هر کس که دار و بخدا و روز قیامت پس باید که گرامی کند همان خود را یک نبار و در زمانی او تکلف باید نمود و جهانی
 نامه روز است و بعد از آن صد و شصت و رسول فرمود صلی الله علیه و سلم للشکاکل حق و کان جاء علی
 الفرس ابو داود عن الحسن بن علی رضی الله عنهما و احمد عن الحسن بن علی رضی الله عنهما و احمد عن الحسن بن علی رضی الله عنهما
 بر اسب سوار شده آمده باشد یعنی اگر چه غنی باشد حالاکه سؤل کردن غنی را حرام است و رسول فرمود
 صلی الله علیه و سلم المسلم علی المسلم سنة بالقرن فی سئل علیه اذا اقیه و یحییبه اذا دعا و یبسیه اذا عطس و یعو له اذا مرض و یتبع جنازة اذا مات و یسئله
 له ما یحب لنفسه رواه احمد و الترمذی و ابو داود عن علی و النسائی عن ابی هریره رنم نحوه یعنی
 مسلمان را بر مسلمان شش حق است سلام گوید بروی چون ملاقات کند و جواب دهد چون بخواند یا قبول
 دعوت او کند و در حرکت او بگوید چون حمد کند بعد عطسه و بیار پرسی کند چون بیمار شود و بیمار را بخواند او را و
 چون بمیرد و دوست دارد برای او آنچه دوست دارد برای نفس خود و استغفاری از علی رضی الله عنهما
 سرور علیه السلام و ابیت کرده که فرمود بدستیکه اگر کسی از شما بگذارد و شتمت یعنی بر حرکت او گفتن برادر
 خود را و قتیکه عطسه کند و الحمد بگوید پس مطالبه خواهد کرد او را و روز قیامت اینچنین ابو نعیم از سعید بن
 جبیر روایت کرد و مسلم از ابی موسی روایت کرده که اگر کسی بعد عطسه الحمد بگوید او را بر حرکت او بگوید و اگر
 نگوید نگوید و در صحیحین از ابی سعید خدری روایت کرده که آنحضرت علیه السلام فرمود که بر بهتر کن از شستن بر آبها
 یا آن گفتند یا رسول الله از شستن بر آبها چاره نداریم فرمود که پس حق ادا کنید راه را گفتند که حق تراست
 فرمود که چشم سبب از حرام و آذیت زسانیدن و جواب سلام گفتن و امر کردن بشروع و نهی کردن از نامشروع
 و ابو داود از عمر درین قصه باده کرده و فرمودی کنید پنج رسیده را و راه نمائید گم شده را قال الله
 تبارک و تعالی یحیی قتیلاً بالحسن منها و ردوها ان الله کان علی کل شیء حسیباً
 یعنی و قتیکه کسی سلام گوید بر شما پس جواب گوید مثل آن یا بهتر از آن یعنی در جواب السلام علیکم و علیکم

یا حمزه با وی در حقه الله و رحمة الله و برکات مسلمانان از پیروی او روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم در آن شب خوابیدید تا که ایمان آرید و ایمان کامل نخواهد شد تا که با هم دوستی کنید پس فرمود که خبر دهم شما
 پنج کس را با هم دوست نمودید و شما را سلام علیکم می بیاورند سلام با هم و بهیچ از این مسعودان از آنحضرت روایت کرد
 که کسی که اول سلام گوید پاک شود از تکبر کسی از آنحضرت پرسید که از فضیلت های اسلام کدامی بهتر است و عرض
 بخورانی طعام و خجانی سلام بر هر کس شناسی یا نشناسی آیه کریمه **لَا تُقْبَلُ لَهُمْ صَلَاةُكَ حَتَّى يَسْمَعُوا دَعْوَتَكَ** لیکن
 لفظ دلت دارد بر آنکه مسلمانی با مسلمانی هر چه سلوک نیک کند مانند فرستادن هدیه یا ذکر خیر یا اشاره
 سلام بپست پست یا تواضع یا استادن یا مصافحه یا معانقه یا مانند آن که دلیل اظهار محبت یا شناسانی را باید که
 مکافات آن پیش آن کند یا بهتر از آن کند **إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبٌ** بران حالات دارد یعنی حق
 بر هر چیز حساب کننده است احمد و ترمذی از ابی امامه روایت کرده که آنحضرت فرمود تمام تحیه شما صحیح است و آنحضرت
 فرموده با هم مصافحه کنید و در شود و با هم هدیه بفرستید محبت زیاد شود و کینه برطرف گردد و فرمود آنحضرت
 که اگر دو مسلمان با هم مصافحه کنند هیچ گناه باقی نماند همه بریزد آنحضرت ابو ذر را در فضل گرفته فرمود که این عمل
 خوب است رواه ابو داود و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم **لَا يَجُلُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يَتَحَفَّظَ أَخَاهُ فَوْقَ**
تِلْكَ أَنْ يَلْتَقِيَانِ فَيُعْرِضَ هَذَا وَيَعْرِضَ هَذَا وَخَيْرُهُمَا الَّذِي يَبْدَأُ بِالسَّلَامِ مستوی
 عن ابی ایوب الانصاری یعنی حلال نیست مردی را که ترک ملاقات کند برادر خود را زبانه از سر زده و بی
 شوند بر و پس عرض کند از یکدیگر بهتر از آنها کسی است که سبقت کند در سلام و ابو داود از عایشه آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم روایت کرده که فرمود که مسلمان را جایز نیست که زیاد از سر روز ترک کند برادر را پس
 و فیکر یکی دیگری ملاقات کرد و سلام گفت سه بار و او جواب نداد گناه هر دو را بر خود گرفت و احمد ابو داود
 از ابی هریره فرمود روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمود که حلال نیست مسلمان را که برادر خود مسلمان را
 زیاد از سر روز ترک کند اگر زیاد از سر روز ترک کند و بمیرد داخل دوزخ شود و ابو داود از ابی هریره
 در روایت دیگر بعد از آن مذکور نقل کرده چون سه روز بگذرد باید که یکی با دیگری ملاقات کند و سلام گوید
 بروی اگر او جواب داد هر دو داخل ثواب شوند و اگر جواب نداد گناه بر دویم باقی ماند و او از جهات هلاکت
 کرد و بیرون شد و فرمود رسول الله صلی الله علیه و سلم **إِنَّا كُنَّا وَالْظُّنُّ أَنَّ الْظُّنَّ كَذِبُ الْحَدِيثِ**

وَلَا تَحْسَبُوهَا كَالْحُلُمِ إِنَّكُمْ فِيهَا تَبَاغُضُونَ وَلَا تَدْرِي لَكُمْ بِهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ
 وَفِي رِوَايَةٍ وَلَا تَحْسَبُوهَا كَالْحُلُمِ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ يَحْيَى دُرَّ بِأَشْيَاءَ بَدْعُ الْكَفَى كَمَا فِي رِوَايَةِ زَيْنِ خُشَنَّا
 بَعْضُ الْأَخْطِ عَيْبُ كَسِيٍّ كَوْنُ بَشَنُودٍ وَبِأَسْوَى كُنْفِيْدٍ بَعْضُهَا مَوْسَمٌ سَعَى كَرْدَهُ دِرَافِضٍ وَبِأَسْمَ حَسَدٍ كُنْفِيْدٍ
 لَزْدَمِ بِنِ خَوْبِيٍّ وَبِأَسْوَى نَافِثِيٍّ بَرَوَارِدٍ وَبِأَسْمَ بَعْضُ عَدَاوَتِ كُنْفِيْدٍ وَبِأَسْمَ تَقَاطُعِ كُنْفِيْدٍ بَعْضِيٍّ بِبِغْرِيٍّ
 كُنْدَ وَزَوْرٍ وَكَرْدَانِ وَبِأَشْيَاءَ بَدْعُ الْكَفَى كَمَا فِي رِوَايَةِ زَيْنِ خُشَنَّا
 بِسَمَوِيٍّ خَوْشٍ وَبِأَسْمَ بَرَوَارِدٍ وَبِأَسْمَ خَوْشٍ وَبِأَسْمَ خَوْشٍ وَبِأَسْمَ خَوْشٍ وَبِأَسْمَ خَوْشٍ
 كُنْدَ وَزَوْرٍ وَكَرْدَانِ وَبِأَشْيَاءَ بَدْعُ الْكَفَى كَمَا فِي رِوَايَةِ زَيْنِ خُشَنَّا
 تَاكِ بِأَسْمَ كُنْدَ وَزَوْرٍ وَكَرْدَانِ وَبِأَشْيَاءَ بَدْعُ الْكَفَى كَمَا فِي رِوَايَةِ زَيْنِ خُشَنَّا
 اَوْ كَوْنِ كَوْنِ تَوْبَانِ بِكَارِ وَارِيٍّ مِنْ تَرَالِيٍّ شَانِمْ أَنْ مَرْدُ كَوْنِ كَوْنِ تَوْبَانِ بِكَارِ وَارِيٍّ مِنْ تَرَالِيٍّ شَانِمْ أَنْ
 مَرْدُ صَوْرَتِكِ دَانِ كَوْنِ تَوْبَانِ بِكَارِ وَارِيٍّ مِنْ تَرَالِيٍّ شَانِمْ أَنْ مَرْدُ صَوْرَتِكِ دَانِ كَوْنِ تَوْبَانِ بِكَارِ وَارِيٍّ مِنْ تَرَالِيٍّ شَانِمْ أَنْ
 عَلَيْهِ عَنْ جَبْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بَعْضِيٍّ رَحِمَ نِكْنِ كَوْنِ كَوْنِ تَوْبَانِ بِكَارِ وَارِيٍّ مِنْ تَرَالِيٍّ شَانِمْ أَنْ
 يَرْحَمُهُمُ اللَّهُ مَنْ رَحِمَهُمْ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُهُمُ اللَّهُ فِي السَّمَاءِ رَوَاهُ أَبُو دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ عَنْ
 عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو رَحِمَ كُنْدَ وَزَوْرٍ وَكَرْدَانِ وَبِأَشْيَاءَ بَدْعُ الْكَفَى كَمَا فِي رِوَايَةِ زَيْنِ خُشَنَّا
 اَوْ جَابِلِيَّتٍ وَارِثَانِ مَرْدُ كُنْدَ وَزَوْرٍ وَكَرْدَانِ وَبِأَشْيَاءَ بَدْعُ الْكَفَى كَمَا فِي رِوَايَةِ زَيْنِ خُشَنَّا
 فَلَيْسَ بِكَارِ وَارِثَانِ مَرْدُ كُنْدَ وَزَوْرٍ وَكَرْدَانِ وَبِأَشْيَاءَ بَدْعُ الْكَفَى كَمَا فِي رِوَايَةِ زَيْنِ خُشَنَّا
 بَرْكَ مَآبِئِ نَافِثِيٍّ وَبِأَسْمَ بَرَوَارِدٍ وَبِأَسْمَ خَوْشٍ وَبِأَسْمَ خَوْشٍ وَبِأَسْمَ خَوْشٍ
 وَبِأَسْمَ خَوْشٍ وَبِأَسْمَ خَوْشٍ وَبِأَسْمَ خَوْشٍ وَبِأَسْمَ خَوْشٍ وَبِأَسْمَ خَوْشٍ وَبِأَسْمَ خَوْشٍ
 نَزِيدَ رَوَايَتِ كَرْدَانِ كَرْدَانِ رَسُوْلُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَلَالٌ نَيْتِ دِرَافِضٍ مَرْدُ كَوْنِ كَوْنِ تَوْبَانِ بِكَارِ وَارِيٍّ مِنْ تَرَالِيٍّ شَانِمْ أَنْ
 بَارِئِ رَاضِيٍّ كَرْدَانِ اَوْ دِرَافِضٍ وَبِأَسْمَ خَوْشٍ وَبِأَسْمَ خَوْشٍ وَبِأَسْمَ خَوْشٍ وَبِأَسْمَ خَوْشٍ
 فَرَسُوْلُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَرْدَانِ اَوْ دِرَافِضٍ وَبِأَسْمَ خَوْشٍ وَبِأَسْمَ خَوْشٍ وَبِأَسْمَ خَوْشٍ وَبِأَسْمَ خَوْشٍ
 بِلِيٍّ رَسُوْلُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَرْدَانِ اَوْ دِرَافِضٍ وَبِأَسْمَ خَوْشٍ وَبِأَسْمَ خَوْشٍ وَبِأَسْمَ خَوْشٍ وَبِأَسْمَ خَوْشٍ
 اَوْ دَاوُدَ وَالتِّرْمِذِيُّ عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ وَكَانَ مِنْ حَدِيثِ صَحِيحِ أَخْخَرَتِ أَصْحَابُ كُنْفِيْدٍ كُنْفِيْدٍ كُنْفِيْدٍ كُنْفِيْدٍ

بَعْضُهَا مَوْسَمٌ
 سَعَى كَرْدَهُ
 دِرَافِضٍ
 وَبِأَسْمَ

عَنْ تَعَالَى مِغْرَابِ الدِّينِ يَكُونُ الْعَرْشُ وَمِنْ حَوْلِهِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُسْتَغْفِرُونَ
 لِلَّذِينَ آمَنُوا الْآيَةُ وَمِغْرَابُ الْمَلَائِكَةِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُسْتَغْفِرُونَ
 لِمَنْ فِي الْأَرْضِ لَعْنِي حَامِلَانِ عَرْشِي أَهْلًا كَرْدَاوَسْتِ شَبِيعَ سَيَكُنْدُ بِأَحْمَدٍ بِرَدِّكَ رَاغِدًا وَسْتَغْفَرُ سَيَكُنْدُ
 بِمَاءِ كَسَائِدِ إِبْرَاهِيمَ أَوْرَدَهُ نَدْوَجَايَ دِكْرِ مِغْرَابِ دَفْرَشْتَانَ شَبِيعَ بِأَحْمَدِ سَيَكُنْدُ بِرَدِّكَ رَاغِدًا وَسْتَغْفَرُ
 أَهْلُ بَيْنِ سْتَغْفَرُ سَيَكُنْدُ **سؤال** اگر حق اخوة اسلام از اخوة نسبی و دیگر حقوق بالاتر است پس
 تو اخوة نسبی اجرا مقدم نوشتی و حق تعالی میفرماید وَاُولَآئِكَ رَحَامٌ بَعْضُهُمْ اَوْلٰى بِبَعْضٍ
 فِي كِتَابِ اللّٰهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُهِلْجَرَيْنِ یعنی اقربای نسبی بعضی را اولی و بهتر اند از
 مومنان و مهاجران و لهذا میراث در قرابت نسبی است نه در قرابت اسامی و رسول فرمود صلعم
 الصَّدَقَةُ عَلَى الْمُسْكِينِ صَدَقَةٌ وَ هِيَ عَلَى ذِي الرَّحْمِ ثَمَانِ صَدَقَةٌ وَ صَلَوةٌ رُوِيَ
 أَحْمَدُ وَ التِّرْمِذِيُّ وَ النَّسَائِيُّ وَ ابْنُ مَاجَةَ عَنْ سَلِيمَانَ بْنِ عَامِرٍ **جواب** قرابت نسبی و غیره که بالذکر
 شده اند در همه آن اسلام شرط است و همه جای اسلام معتبر است معنی آنست که اولوالارحام
 که مسلمان اند از مومنان و مهاجرین که قرابت نسبی ندارند بهتر اند و وارث مقدم و موقوفند
 آنکه صدقه بر مسکین مسلم اجنبی یک ثواب دارد و بر ذی رحم که مسکین مسلم باشد و ثواب دارد و لهذا فرمود
 اگر که ثواب شد میراث بدو آنها نیز صد بلکه بعائنه مومنین رسد و بیت المال که خزانه عامه مومنین است آنرا
 کرده شود اگر پدر هم کار فرما باشد گویند او بر سر اجابت لیکن محبت و دوستی با وی نباید کرد بلکه برادر
 باید نمود و قال الله تعالى مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا
 اَوْلٰى قُرْبٰى مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّ لَهُمْ اَحْكَامُ الْحَجِّ وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ
 اَبْرٰهِيْمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَوَاعِدَةٍ وَعَدَهَا اِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ اَنَّهُ عَدُوٌّ لِلّٰهِ
 تَبَيَّنَ مِنْهُ يَعْنِي نَبَاتَنِي رَاوُونِينَ که مغفرت خواهند برای مشرکان اگر چه باشند آنها صاحب
 قرابت بعد از آنکه ظاهراً و آنها که آنها از اهل جهنم اند و نبود استغفار بر ابراهیم برای پدر خود و اگر از جهت و عد
 که پدر با وی کرده بود و که اسلام خواهم آورد پس هرگاه که ظاهراً شد بروی که این دشمن خداست از وی باز
 کرد فامده حَتَّى كُلُّ نَسَبٍ وَصَهْرٍ يَقْطَعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ اِلَّا نَسَبِي وَصَهْرِي حَتَّى يَصْطَفِيَ

ابن حاکم از ابن عمر روایت کرده است: هر قرابت نسبی و قرابت خونی تا پادشاه باشد روز قیامت منقطع خواهد شد مگر قرابت
نسبی و صهری من و مرا و غیره نیست که قرابت همه مومنان و غیرهم منقطع خواهد شد مگر قرابت پاک من بلکه مرا و
که همه مسلمانان فرزندان من اند نسبت صهر مومنان منقطع نخواهد شد نسبت و صهر کافران منقطع خواهد شد و دلیل
برین تفکیک نسبت که حق تعالی در حق مومنان میفرماید: **وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ**
أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ یعنی کسانی که ایمان آورده اند و فرزندان
شان تابع ایشانند در ایمان اولادشان را در پیشست بر تبه بران ملحق نخواهیم کرد و از عمل بران کم
نخواهیم کرد هیچ و نیز حق تعالی میفرماید: **وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالْأَتَقِي بُكْرَةً عَسَىٰ**
أَن تَكُونَ الْإِيمَانُ أَزْوَاجًا یعنی اموال کافران و اولاد آنها را بمانند یک نخواهند کرد مگر
اگر کسی که ایمان آورده است و عمل صالح کرده اموال و اولاد آنها را بمانند یک خواهند کرد و در حق کافران
فرموده: **وَالْأَشْيَاءُ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ سَوَاءٌ** یعنی تسبیهای شان در میان شان نخواهند ماند روز قیامت
فرمود: **وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ** منقطع خواهد شد در میان شان اسباب و وصلت ازین آیات دیگر
و احادیث نبوی صلی الله علیه و سلم معلوم میشود که نسب و مومنان باقی خواهد ماند و یکی دیگری را سفید
خواهند شد به سبب قرابت و به سبب دوستی و غیره و کافران را هیچ فائده نخواهد کرد یعنی **لَيْسَ الْمَرْءُ بِمِلَّةٍ**
وَأَهْلِهِ وَاصْحَابَتِهِ وَبَنِيهِ إِلَّا خِلَافَ مَا بَيْنَهُمْ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ
یعنی روز قیامت بگریز و مرد از برادر خود و مادر و پدر و زن و فرزندان خود و دوستان آن روز با هم
و دشمن خواهند شد مگر متقیان غرض ازین کلام آنست که در جمیع حقوق مذکوره هر یک در اسلام و تقوی
افضل از اقوی باشد و بر محبت و وصلت اولی و احسن باشد و اسلام قسم هم دیگر از حقوق آنست که
بنده با اختیار خود بر خود لازم گرداند و این هم در حقوق است و هم در حقوق الناس و هر یک از این سه
قسم قسمی نیست که سبب و وجوب آن طاعت باشد و دوم آنکه سبب و وجوب آن معصیت باشد سوم آنکه
سبب وجوب آن امری مباح باشد **فصل** حق است که سبب وجوب آن طاعت است لکن نذرست بعباده
اگر نذر کند بعباده مقصود که از جنس آن عبادتی فرض باشد چون نماز یا روزه یا صدقه یا حج خواه آن نذر
بلا شرط باشد یا بشرط که موجب شکر باشد از نعمتهای دینی یا دنیوی چنانچه گوید که اگر بخاری من شفا یابد

قسم هم

امانت است

فصل

اگر شخصی اراده ادای دین داشته باشد و او را میسر نشود و بگوید امید است که حق تعالی در آخرت
 دینان او را راضی سازد و او را بهشت بر در رسول فرمود صلعم من تقد این بدین و فی نفسه
 و کفارة و ثمرات تجا و تر الله عنه و ارضی عنی همه بما شاء و من تقد این بدین و لیکن
 فی نفسه و کفارة و ثمرات اقص الله تعالی لغیر همه مدا یوم القیمه راه احکام عن ابی
 امامه یعنی هر که معامله کند و دین بروی لازم شود و او اراده ادای آن دارد و بگوید حق تعالی او را
 بخشود و اینان او را راضی سازد و هر که معامله کند و دین دار شود و اراده ادای نداشته باشد عوض
 دین حق تعالی عر می او را روز قیامت و طبری و حاکم سم از ابی امامه مثل این روایت کرده اند
 باین عبارت من او ی دینا و هو یبوی ان لا یؤدیه فمات قال الله تعالی
 یوم القیمه انی لا اخذ بعبدی بحقه فی حد من حسناته فیجعل فی
 حسناته الاخر فان لم یکن له حسنات اخذ من سیئات الاخر فیجعل علیه
 یعنی هر که میرد و اراده ادای دین نداشته باشد بگوید حق تعالی که من بنده خود را ازین سیرم پس از حسنات
 مدیون بدین دینانیده شود و اگر حسنات نباشد گناهای و این بر مدیون نهاده شود و طبری
 از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود صلعم و قسم اند هر که بمیرد و دین ادای دین داشته باشد
 پس من لی او بستم یعنی او را بخشایم و از حق تعالی دین او ادا کنیم و هر که بمیرد و دین ادای دین
 ندارد گرفته شود از حسنات او و در آن روز در هم و دنیا نیست همچنین از ابن عمر از آنحضرت مرویست
فصل و حقوق العباد که سبب آن معصیت است چون قتل نفس یا قتل عضو یا گرفتن مال کسی
 بنصب یا سرور یا خیانت یا آبروی کسی را بردن از دشنام و مانند آن یا حیث ادای این
 حق بر وظلمه و استرغای مظلوم است بدون استرغای مظلوم عفو و مغفرت در اطلاق این
 حقوق نمیتوانند الا نادرا رسول فرمود صلعم الله و این ثلثه قد یوان لا یعفو الله به
 شیئا و یوان لا یغفر الله شیئا و یوان لا یعفو الله شیئا و یوان لا یغفر الله شیئا و یوان لا یعفو الله شیئا
 لا یعفو الله قال الشریک و اما الذی یوان لا یعفو الله به شیئا فظلم العبد نفسه و قتل
 بینه و بین ربیه من صوم رکعه او صلو ترکها فان الله تبارک و تعالی یغفر ذلک و یجاءلین

حقوق العباد که سبب آن معصیت است

بر مسلم حرام است بزنی هم حرام است که بعد از اهل دمه عهد رسول صلی الله علیه و سلم عهد شکنی رسول
 صلی الله علیه و سلم می آید رسول فرمود صلی الله علیه و سلم مَنْ قَذَفَ ذِيًّا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَسِيًّا طَمْرُ
 نَادِي واه الطبرانی عن أنس بن الأسقع یعنی هر که هست ناکند بزنی او را روز قیامت حد زده خواهند
 بداده از آتش و فرمود لَمْ يَنْظَمْ مَعَاهِدًا وَ انْقَضَ مِنْ حَقِّهِ أَوْ كَلَفَهُ فَأَقْبَلَتْ طَاقِيَةً
 أَوْ أَخَذَتْ مِنْهُ شَيْئًا يَغْيِرُ طَبِيبُ نَفْسِهِ فَأَنَا حُجَّتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ یعنی آگاه باشید هر که ظلم کند
 زنی را یا کم کند از حق او یا تخلف دهد او را را زبانه از طاعت او یا گرفت از چیزی بی رضایت او پس من محض
 گفته باشم با وی روز قیامت قائده باید دانست که هر گنا بیک باشد سوار شراب خاری آن مناسبت
 اگر چه کثیر و شدید باشد پس مقتضای این احادیث آنست که حقوق عباد خصوصاً مظلوم هرگز مهمل نگذاشته شود
 و قصاص آن ضرورت مظلومان را ثواب حسنات ظالمان و اودا شود تا و فیکه بیج از حسنات شان
 نماند پس اگر مظلوم باقی مانده آن مظلومان بظالمان بنیاده آنها را بخل و دزدی کرده شود پس برگاه که جزا
 سیات منتهی شود اگر چه بعد کثرت طول و موعنان ظالمان از مظلوم پاک شوند از زبان داخل بهشت کرده شود
 ایمان که خیرای ایمان خلوصت و پشنت و بچنین امام بهی گفته لیکن از شامت مظلوم گنا باشد که ایمان سلب شود
 فتوای بار خدای تعالی از صدور و مظلوم در پناه خود دارد شمس میباش و در پی آزار و هر چه خواهی کن که در
 شریعت مانع ازین گناهی نیست یعنی در شریعت محمدی مانند مظلوم هیچ گناه نیست قائده اگر بر ذمه شخصی
 مظلوم بود و از آن تو بکند و از ظلم مبتلا بکند و در مظلوم و استرضای مظلومان از مقدر او خارج باشد
 در ضرورت امید است که حق تعالی خصمان او را روز قیامت راضی سازد و رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
 رَجُلَانِ مِنْ أُمَّتِي جَنَابَيْنِ يَكُونُ رُبُّ الْغُرَّةِ تَبَارَكَ تَعَالَى فَقَالَ أَحَدُهُمَا يَا رَبِّ خُذْنِي
 مَظْلَمِي مِنْ أَخِي فَقَالَ اللَّهُ أَعْطَاكَ مَظْلَمَهُ فَقَالَ يَا رَبِّ لَمْ يَبْقَ مِنْ حَسَنَاتِي شَيْءٌ فَقَالَ
 اللَّهُ كَيْفَ تَصْنَعُ لَمْ يَبْقَ مِنْ حَسَنَاتِي شَيْءٌ فَقَالَ يَا رَبِّ يَحْمِلُ مِنْ أَوْزَارِي وَ قَالَ
 عَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِالْبُكَاءِ وَقَالَ إِنَّكَ يَوْمَ عَظِيمٍ يَوْمَ
 يَحْتَاجُ النَّاسُ إِلَى أَنْ يَحْمِلَ عَنْهُمْ أَوْزَارَهُمْ فَقَالَ اللَّهُ ارْقَعْ رَأْسَكَ فَانْظُرْ فِي الْحِجَابِ
 فَرَقَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ يَا رَبِّ أَرَأَيْتَ مَكَائِنَ مِنْ فَضْلَةٍ مَرْتَبَعَةٍ مِنْ ذَهَبٍ مَحْكَلَةٍ بِالْأَوْزَانِ

تنت یا رسول الله را چنانکه مراد روح کو میگویند و خیانت میکنند و ناقضانی میکنند و من آنها نیز هم و دشنام میهم
پس چگونه باشد از آنها آنحضرت فرمود که خیانت و کذب حصیان آنها با عقاب تو حساب کرده خواهی شد پس اگر عقاب
تو از گناه آنها کم خواهد بود ترا فضیلت خواهد بود و اگر عقاب تو بقدر گناه آنها خواهد بود برابر خواهند شد و اگر عقاب
آنها از گناه زیاد خواهد بود و بقدر زیادتی از تو عوض گرفته خواهد شد آن مرد گرسین دید او را ناله کردن گرفت

رسول فرمود کسی را که با قرآن خوانده و قطع المکر و الفسق و لیوم القیامة فلا یظلم
نفس شیئا و ان کانت مثقال حبثه من خردل یا کثینا میخا و کفی بنا حاسبا پسین یعنی خواهم بنهاد
ترا و ای عدل در قیامت پس ظلم نموده خواهد شد چکس خبری و اگر خواهد بود ظلم بوزن دانه خردل
خواهم آورد و پس ایم حساب گفته آن مرد گفت یا رسول الله بهتر چیزی نیایم از جدا کردن آنها بدست خود
ترا نشاء پس گفتم که آنها را آزاد کردم رواه احمد و ترمذی عن عایشه عن محمد بن عبد الله بن مسعود
اگر مردی حسن الی من اساءه عذیبیل در حسن خلق و نرمی و مذمت تکبر حق تعالی در حق رسول کریم

فرموده و انک لعلی الخلق عظیم بدرستی که تو بر خلق عظیم هستی و فرموده و کما نسحقه من الله لنت
له و لو کنت کظا غلیظ القلب لا نفضوا من حولک فاعف عنهم و استغفر لهم و ساءلهم

یعنی بسبب رحمت خدا که بدست نرم شدی تو بر مردم نرمی کریم و رحیم شدی و اگر میبودی بر خلق سخت دل آینه
جدامی شدند اگر در تو چنینش نقصیست نشان را و دعا مغفرت کن برای آنها اگر تقصیری کند و در هر کار

با آنها مشورت کن و حق نمردی خاصان خود میگوید و عباده المؤمن الذین یستشرون علی الارض هویا و اذا
خطبهم الجاهلون قالوا سلاما یعنی پندگان خاص آنانند که راه میروند بر زمین بی حری و اگر جاهلان با آنها

خطاب میبند میکنند آنها را جواب آن کلامی گویند که موجب سلامت باشد از اینها و گناه رسول فرمود صلعم که
از رفیق و نرمی محروم شد از هر چه محروم شد رواه مسلم عن جریر و فرمود محبوب تربیت نماز و من کسانند

که اخلاق نیک را زنده رواه البخاری عن عبد الله بن عمرو و در صحیحین است بهترین شما نیک خلقی تر شماست
رسول فرمود صلعم ان المؤمن کبد راسه یحسین خلقه در حجة فاکمل الکلیل و عاکم الکمال و رواه

ابو داود یعنی بدرستی که مومن در میاید به نیک خوئی خود مرتبه کسی که تمام نیکبختی بگذارد و روزی از روز
دارد و فرمود آنحضرت صلعم لعن الله خلقا و رواه مالک فی الموطا و رواه احمد عن

[illegible]

مُتَّبِعٌ سُنَّتِهِ بِعَوْنِ تَعَالَى

الحمد لله رب العالمین و بحمدیہ و بحمدیہ حیرتی شریفہ حقیقۃ الاسلام جامع حقوق عباد و پروردگار انام
تصنیف مدار العمل از بدو الفقہاء مفت کلام اللہ حضرت قاضی **سید ابوالحسن** پانی پتی قدس سرہ
در بیت ہدایت لکھنؤ محمد بن محمد مصطفیٰ خان خلف جلالی محمد روشن خان غفرلہما اللہ
جلہ انطباع پوشانیہ

سوال

اجرت بخواندن قرآن گرفتن جایز است یا نه جواب حکم اجرتی که حافظان قرآن بر خوانش میگیرند
چند صورت دارد جداگانه و در ذم خود و تقسم باید فرمود و غلط نباید کرد تا اشتباه واقع نشود صورت
اول آنکه ثواب قرآن خوانده خود را بعبوض مصلحت گذاردست کسی بفروشد و این صورت محض باطل است
باجماع اهل سنت آری نزد امامیدریغ و ستعار است بلکه ثواب روزه و حج و دیگر عبادت راجعی فرو
دین اطلاق نشن آنکه حقیقت بیع مبادله المال یا مال است و ثواب طاعات مال نیست بلکه حق است که با
این شخص محکم و صدقه آتی ثابت میشود و در آخرت استیفای آن خواهد نمود و بیع حقوق خواه در دنیا
باشد خواه اتمردی مشن حق الولد و حق الارث و حق مرد و زن و حق العیال و امثال ذلک جایز است
صورت دوم آنکه شخصی ابرای ختم قرآن فرود بگیرد و ثواب آن ختم مستاجر ببرد و این صورت نیز جایز

جائز نیست و در تمامی تفصیلی دارد و در بیان مردم خواهر این صورت است که قاعده کلیه ضمیمه است که
 فی شرح الوقایه و غیره حاصل شد تا آنکه لا یجوز لک الحارثه علی الکفارات و علی المعاصی
 لکن لما وقع الفتی فی زمانه فی الاموال الذی یستلزم یقتضی اجتناباً لتعلیل القرآن
 الفصحیح و لا یجوز لک من و مکنته و لکن اجاره برادری طاعت خواه فرض باشد خواه فصلی باشد
 نیست است که شخصی که مباشر طاعت نیست و حکم و عده الهی مستحق او یا آخر و کسی نیست پس اگر چه در بعضی
 را از مخلوق بران عمل طلب نماید جمیع عیوضین و غیرین در حق یکس یک فعل لازم خواهد آمد مثل
 آنکه شخصی پیش از یک کس قرار یافت او را بفرستد که ایر خاص شخصی دیگر شود و در همان مدت گذاردن کفانی
 شرح الهدیه و توفقه علیه السلام و اقرؤ القرآن و لا تأکلوا به و مثل ان یستأجر رجلاً لیقفل
 علی الناس فقبل مثل هذه القراءه لا یستحق به الثواب کاللیث و لا القاری
 استثنای صورت سوم آنکه شخصی بسته شد ثواب قرآن خوانده و یکس شخص باشد یا بقصد ثواب او خواندن غایب
 کند و هرگز خیال معاوضه در خاطر او خطور نکند و آنکس بلیق مکافات بعد از آن یا در آشنای خواندن
 آن بوی چیزی بدهد یا احسانی نماید یا شخصی باشد که از سالها شخصی انعام و احسان میکند و این
 کس مکافات آن قرآن و کلمه تلیل و مثال آنکس برای او میخاز و ثوابش یا عقیقه بدین صورت
 جائز است بلا شبهه بلکه مستحب بر آن مکافات احسان با احسان مستحب و فی الحدیث من صنع الیک
 معروفاً فکافه الیک و لیکن در اینجا هم عذری بیاید و آن نیست که اگر نیست آن در خواندن مکافات
 احسان است پس جائز مستحب است اما اجاره نشدنی و دشمن مکافات مضرت نیست لیکن فرقی را با آن می بیند
 و صورت چهارم آنکه شخصی است طالب علم و بنیاد حفظ قرآن یا اشتغال بطاعت دیگر لیکن از راه تنگدستی
 و فقدان وجه معاش قراحت اشتغال باین امور ندارد و مردی دیگر صاحب کار و موقوفه او شود و باقی
 مشغول بطاعت کرد و در این صورت هر دو را بر کمال بر سر طاعت او حاصل بکند و در مورد این
 آیت همین است للفقراء الذین انصروا الخ و اعانت بر طاعت که در حدیث صحیح آمده و
 واقع شده همین است لیکن این را بجا گفتن مجاز است صورت پنجم آنکه شخصی قرآن را بر سر طاعت
 بلکه بنا بر قصد نافع میخواند و برین آیت دیگر و مثل سوره حم و توفیق و تمجید سوره نزل برای حصول

بعضی مطالب - نبوی یا برآی خلاص از عذاب کور یا برای دفع آسیب زنده یا مرده بصورت خوش و این
قسم بهتر جائز است بلکه ارجح است و همین است مورد این حدیث که **إِنَّ أَحَقَّ مَا أَخَذَ اللَّهُ تَعَالَىٰ بِأَجْرِكُمَا**
اللَّهُ وَفَضْلَهُ رَقِيعَةُ سُورَةِ فَاتِحَةِ كُرْقَنِ اجْرِتِ بران نیز از همین قبیل است همه صورتور را جدا جدا با حکام
آنها در خاطر محفوظ باید داشت **وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَعَلَىٰ مَنْ لَدَا يَكْفُرُ بِهِمْ فِي عِلْمِهِمْ**
که در احادیث مختلفه تعارض نیست مثلاً در حدیث عباده بن الصامت قال **قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ**
رَجُلٌ أَهْدَىٰ إِلَيَّ قَوْلًا سَمِعْتُكَ كُنْتَ أَجَلَهُ الْكِتَابَ وَالْقُرْآنَ وَلَيْسَتْ بِهَذَا قَائِلِي
عَلَيْكَ إِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ قَالَ إِنْ كُنْتَ تُحِبُّ أَنْ تُكَلَّمَ قَوْلًا قَائِلِي نَارٍ فَأَقْبِلْهَا رواه ابو داود
و این مایه در صورتی راست است در وقت تعلیم طلب مکافات متصور داشته بود و همین نیت تعلیم
کرده بود و علی بن ابی طالب اس احادیث دیگر **وَاللَّهُ أَكْبَرُ وَعِلْمُهُ أَكْبَرُ وَأَكْمَلُ وَأَكْبَرُ**

الحمد لله خالق الانام که رساله تحقیقه الاسلام مع استفتای اخذ اجرت بر خواندن قرآن
بنابر پنج سئیه و هم در نتیجه ۶۶ سئیه هجری در بیت السلطنت لکنه محمد محمود نگر محمد مصطفی خان خلع
حاجی محمد روشن خاں نمر لها المنان طبع نمود



۸۶۹۱

الف

